

بانوی پرمشغله یونان

محمود فاضلی

البته مواضع وزیر خارجه یونان در قبال بحران لبنان با مخالف های داخلی نیز روبه‌رو بوده است . حزب کمونیست یونان از عدم محکوم کردن جنایات اسرائیل از سوی وزیر خارجه کشورش به شدت انتقاد و در بیانیه خود تاکید کرده است : «غیرقابل قبول است که خانم باکویانی طی سفر دوره‌ای به خاورمیانه و در حالی که از ویرانی‌هایی که در اثر بمب‌های ارتش اسرائیل در بیروت ایجاد شده بود، بازدید می‌کرد هیچ سخنی در محکومیت مسئولان این جنایات بزرگ علیه ملت لبنان به زبان نیاورد. سیاست حمایت از مظنونان در تضاد کامل با هم‌دلی ملت یونان با مقاومت شجاعانه ملت‌های لبنان و فلسطین است. « همچنین دبیرکل حزب کمونیست ضمن ابراز مخالفت با مشارکت یونان در نیروی بین‌المللی معتقد است : «بر مبنای قطعنامه ۱۷۰۱ ، این نیروی بین‌المللی نقش ارتش اشغالگر را ایفا خواهد کرد». خانم باکویانی وزیر امور خارجه یونان و شهردار سابق آتن در سال‌های اخیر نه‌تنها یکی از زنان مطرح در امور سیاسی بوده است بلکه پس از انتخاب به‌عنوان وزیر امور خارجه به یکی از چهره‌های تاثیرگذار یونان تبدیل شد . باکویانی ۵۱ ساله تا چندی پیش چهل و هشتمین شهردار شهری است که دارای تمدن سه‌هزار ساله است و قدیمی‌ترین پایتخت یک کشور اروپایی است .وی در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲ و در انتخابات شهرداری آتن با کسب ۶۱ درصد آرای شهروندان پایتخت بیشترین رای شهرداری آتن را به‌خود اختصاص داده است . وی همچنین تنها زن شهرداری است که مسئولیت برگزاری مسابقات المپیک را برعهده داشته است . اگرچه او فرزند ارشد میستوتاکیس ، نخست‌وزیر اسبق یونان و از بنیانگذاران حزب محافظه‌کار نئودموکراسی (ND) یونان است اما بی‌تردید شایستگی‌های شخصی وی در عرصه سیاسی – اجتماعی، موجب حضور روبه رشد وی در عرصه داخلی این کشور شده است . باکویانی هرچند تا قبل از انتخاب به عنوان شهردار آتن به‌رغم موفقیت بالای حزبی‌اش، پست‌های حساس داخلی نداشته است اما با انتخاب به عنوان شهردار ، فصل جدیدی در امور داخلی این کشور گشوده‌شد و آتن که به‌عنوان یکی از بزرگترین شهرهای حوزه مدیترانه محسوب می‌شود در تابستان سال ۲۰۰۴ و در پرتو بازی‌های المپیک و اقدامات به‌عمل آمده در زمینه تکنولوژی اطلاع‌رسانی، تکنولوژی ارتباطات ، انرژی، تجارت ، حمل و نقل به یک شهر فرهنگی و ورزشی تبدیل شد . در دو سال اخیر بارها نام باکویانی در مجله‌های گروهی این کشور

مطرح شد .

بخش پایانی

ایزاک دویچر پسر یک خاخام لهستانی و فعال سیاسی متعهد و سوسیالیست در اواخر دهه ۱۹۳۰ است . او در نظام نازی‌ها و استالینیست‌ها مقاومت کرد تا بیوگرافی متفاوتی از ژوزف استالین و لئو تروتسکی بنویسد . کمی پس از جنگ ۱۹۶۷ ، دویچر با سه تن از ویراستاران لندنی و مارکسیست نشریه روشنفکری New Left Review مصاحبه می‌کند : تام ونگراف، پتر ولن و الکساندر کاکبرن . در این مصاحبه دویچر به نکته‌ای اشاره می‌کند که تا حدی در مباحث اخیر نادیده گرفته می‌شود، جایی که هم‌هویتی با یک طرف یا دیگری بر اصول می‌چرید و ادعاهای هویتی بر اصول جهان‌شمول چیره می‌شوند و سببیت و سنگ‌دلی نهفته در اشتباهات بزرگ سیاستمداران از هر طرف منازعه به سادگی مدافعانی روشنفکر برای خود پیدا می‌کنند . رویکرد دویچر بر سه فرض روشن و شجاعانه مبتنی بود: هر دو رهبری هم رهبری اعراب و هم

اسرائیلی‌ها که، در عوام فریبی و گمراه کردن مردم‌شان مقصر بودند و سوار بر چنین موجی وعده پیروزی دست‌نیافتنی می‌دادند و بر نفرت از دیگر مردمان و ادیان و تاریخ گذشته آنها می‌دمیدند (نسل کشی یهودیان در اروپا و انکار حق ملی فلسطینیان) نمی‌توانست منجر به مشروعیت ادعاهای دور از دست هر دو طرف باشد- اصلی که دویچر با عزمی ثابت به آن وفادار ماند- اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها مردمی بودند که مطالباتی داشتند و می‌بایست بر پایه‌ای معقول و پایدار و مسائلی سرزمینی و سیاسی مطرح می‌کردند . شیوه آنها جنگ بود اما این شیوه از هیچ کدام قابل قبول نبود .

کار دیگر کار فیلسوف آلمانی، هانا آرنت است که در زمانی که جنگ جهانی دوم شروع شد به ایالات متحده مهاجرت کرد . دیدگاه جهان‌گرای لیبرال او مستقیماً به مسئله اعراب و اسرائیل مربوط نمی‌شد اما با این وجود ارتباط گسترده‌ای با این موضوع داشت . این دیدگاه به خصوص در مورد آیشمن در بیت المقدس بود . در کتاب او در سال ۱۹۶۳ درباره دادگاه جنایات جنگی نازی‌ها در پرونده آدولف آیشمن

علوم سیاسی

راه سوم

فرد هالیدی

ترجمه: دانیال شاه‌زمانیان



۱۹۶۰ میلادی به چیزی تبدیل شد که تنها از قومیت قربانیان نشأت گرفته بود . در همان زمان به نظر او ، قومیتی دانستن قربانیان حق خاصی را با خود به همراه دارد، یعنی حقی که اسرائیل به نمایندگی از این قربانیان برای خود در نظر می‌گرفت اگرچه چنین حقی مسئولیتی برای این کشور به‌دنبال نداشت . در وضعی که این ادعا مطرح شده بود، هانا آرنت با دقت آن را تشخیص داد.

■ زمان بازگشت به گذشته

چیزی که ایزاک دویچر و هانا آرنت به آن اشاره کردند حقایقی دربردارد که اکنون، در خاورمیانه معاصر و در همه جهان به شدت به آن نیاز داریم . گستره این موضوعات بسیار بیشتر از مسئله اعراب و اسرائیل است؛ در اصل این موضوعات برای بسیاری از دیگر ملت‌ها هم کاربرد دارند : در دنیایی که منازعات قومی وجود دارد؛ و در جایی که خطابه‌های محلی و هم‌هویتی‌های میهنی، با رقصی مرگ‌بار، نفرت از دیگران را تقویت می‌کنند، منازعاتی که به گمان افراد حاضر در آنها، در یک طرف فرشته‌ها ایستاده‌اند و در طرف دیگر شیاطین– اتفاقاتی که در

قبرس، یوگسلاوی سابق، قره‌باغ، سرلانکا و ایرلند شمالی افتاد از همین دست بود . در خاورمیانه، مسلمانان و اعراب تحت عناوینی چون هویت قومی، دینی و اجتماعی با فلسطینیان احساس هم‌هویتی می‌کنند و اخیراً همین احساس را نسبت به حزب الله دارند؛ یهودیان نیز به همین دلیل مدافع اسرائیل هستند . حتی بسیاری از یهودیانی که مخالف سیاست‌های دولت اسرائیل به‌عنوان سخننگوی یهودیان‌اند نیز چنین احساسی دارند . در این موارد

نمونه‌های بازگشت به گذشته در هویتی تاریخی به روشنی دیده می‌شود . این بازگشتن‌ها تحت عنوان عضویت در یک اجتماع خاص یا ادعای هم‌ریشگی گروهی، قومیتی یا دینی با دیگران، باعث به دست آوردن حقوقی ویژه می‌شود و یا برای کسانی که چنین ادعایی می‌کنند، نظم و ترتیبی اخلاقی به وجود می‌آورد . به بیانی کاملاً خردگرایانه، این موضوع عقلانیتی دربرنخواهد داشت . اخیراً در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی برای بررسی اتهام سوگیری درباره مناقشه اعراب و اسرائیل به من فهرستی از گروه‌های انگلیسی

داده شد که گروه بی‌بی‌سی با آنها مشورت کرده بود– مسلمانان و اعراب در یک طرف و یهودیان و صهیونیست‌ها در طرف دیگر . پیشنهاد من به این گروه این بود که به‌طور کامل هرچه این دو گروه گفته‌اند را کنار بگذارند و این سؤال را مطرح کنند که آیا آنها باید در این مورد موضعی اتخاذ کنند یا نه .

در این زمان روشن‌بینی اخلاقی ایزاک دویچر و هانا آرنت ضروری می‌نماید . حتی اگر پس از این دو متفکر، تاریخ دوباره مباحثت عنوان‌شده را به این سمت هدایت کند . دیگر به‌چپ‌ها برای چاره‌جویی در مورد منازعات درون‌قومی امیدی نیست زیرا در بهترین حالت باید مبارزات پرولتاریایی به عنوان پیهوده و در بدترین حالت به عنوان امری خطرناک برای این موضوع کنار زده شود . همبستگی کارگری در دهه ۱۹۴۰ یهودیان اروپا را حفظ نکرد و نتوانست پس از آن میان اعراب و اسرائیل آشتی برقرار کند .

محکوم‌کردن اعمال دولت‌های نظامی گرا و گروه‌های چریکی به‌طور مساوی، باید بر پایه‌ای بیش از انکار عوام‌فریبی و فرقه‌پرستی این گروه‌ها استوار شود؛ ما نیازمند صفتی هستیم که مدت زیادی است پنهان مانده (یعنی چپ‌ها پس از جنگ عراق در بیشتر مباحث این امر را نادیده گرفتند). منظور من این است که احترام به قانون و هنجارهای جنگ همان گونه که در پروتکل‌های ژنو ۱۹۲۹ ، و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، و اسناد مربوطه تعیین شده کاملاً ضروری است . این امر به‌وضوح روشن است که چپ انگلیس که به‌درستکاری گروه‌های ضدامپریالیست اعتقاد دارد، برای سلاخی کردن ماموران غیرنظامی سازمان ملل در عراق شادی می‌کنند (کشتاری که در بمب‌گذاری ۱۹ آگوست ۲۰۰۳ سرچیو ویرا دوملو و بیست و یک تن دیگر از همراهانش را که شامل بازرسان حقوق بشر و نویسنده Open Democracy آرتور هلتنون نیز بود به کام مرگ فرستاد)؛ آنها و دیگران بارندگی یا از سر اغماض از کشته‌شدن غیرنظامیان چشم‌پوشی می‌کنند .

ایزاک دویچر و هانا آرنت روشنفکران زمان خود بودند که اندیشه‌های آنها در زمان جنگ علیه فاشیسم و نقد روایت‌های غربی و شرقی جنگ سرد خلق شده بود . امروز وارثان آنها در سازمان‌های غیردولتی مشغول به کارند . در میان این سازمان‌ها، سازمان‌های حقوق بشر مانند عفو بین‌الملل، و سازمان دیده‌بان حقوق بشر که با عزمی راسخ و به‌درستی جرایم و تجاوزات همه طرف‌ها را تا آنجا که در جنگ و در میانه تبلیغات امکان‌پذیر است، مستند می‌سازند و محکوم می‌کنند . استقلال فکری و

روشنی اصولی که چهره‌هایی چون دویچر و آرنت به ما نشان دادند باید قضاوت‌ها و توصیه‌های ما را در مورد این آخرین جنگ خاورمیانه میان اسرائیل و لبنان روشنی بخشد . راه جایگزین، بازیافتن فرصت‌های از دست رفته برای صلح و گفت‌وگوی بیشتر است ؛ البته نه از دست گفت‌وگوهایی که من در سال ۱۹۶۴ شاهد آن بودم و در آن لجاجت و بی‌توجهی به سخنان طرف دیگر جانشین تامل و عقلانیت شده بود . این تنها راهی است

که فضای عمومی جهان با نامیدی به آن نیاز دارد.

سال چهارم ■ شماره ۸۵۵ *شرق*

نگاه کارشناس

توطئه علیه سفیر

گریگ موری*

ترجمه: حسن بنانچ

پیش از اینکه گزارش وی منتشر شود، دولت ازبکستان اعلام کرد بمب‌گذاران انتحاری القاعده به تاشکند حمله کردند . من چند ساعت پس از این اعلان به محل انفجار بمب‌ها رفتم و هیچ نوع خرابی را ندیدم . شواهد موجود در محل‌های حادثه با توضیح رسمی دولت ازبکستان از موانع مطابقت نداشت . من می‌دانستم که القاعده پشت پرده حوادثی که اتفاق افتاده بود، حضور نداشت : آژانس امنیت ملی انگلیس مکالمه تلفنی عوامل ارشد القاعده در پاکستان و خاورمیانه را ره‌گیری کرده بود و این مکالمات در اختیار سفارت انگلیس قرار گرفت . در این مکالمات عوامل القاعده از یکدیگر سؤال می‌کردند که در تاشکند چه اتفاقی افتاده است . با این حال ادعای پاول در این زمینه که تاشکند از سوی تندر‌وهای اسلامی مورد‌تهاجم قرار گرفته است، راه را برای تداوم کمک‌های آمریکا به ازبکستان هموار کرد . در همین حال روسایم ادعاهای جدیدی علیه من مطرح کردند . من از «تمرکز بیش از حد بر روی حقوق بشر» به «خیانت»، ارتقای اتهام پیدا کردم . مرا از تعطیلات درکانادا به لندن فراخواندند . در آنجا با ۱۸ اتهام که شخصیت مرا تخریب می‌کردند، مواجه شدم؛ من یک معتاد به الکل بودم، در عرض برقراری روابط ناشروع جنسی ویزا صادر کردم، رشوه گرفته بودم . از سرعت تدوین سناریویی که علیه من طراحی شده بود، گنج شده بودم . اما هیچ یک از اتهاماتی که به من وارد شده بود، حقیقت نداشت و پس از گذشت ۴ ماه از تحقیقات به دلیل فقدان مدرک، از همه آنها تبرئه شدم . مشکل تمایلم به نوشتیدن و زنان من وارد شده بود، حقیقت نداشت و پس از گذشت نبود . من می‌دانستم که در جنگ بی‌پایان بوش و نخست‌وزیر تونی بلر جایی ندارم . فهمیدم که خصومت دولت تقریباً غیرقابل تحمل است و پس از تحمل اضطراب روانی و ذهنی از من دلجویی شد . در فوریه سال ۲۰۰۵ مجبور به بازنشستگی شدم . هنگامی که تلاش کردم داستان را با چاپ یک کتاب – داستان ازبکستان – بازگو کنم ، از سوی دولت که تلاش داشت از انتشار اطلاعات جلوگیری کند، به چالش کشیده شدم . دولت انگلیس سابق درخشانی در سانسور کتاب‌های کارکنان سابق دولت دارد و در مواردی حتی تلاش می‌کند تا انتشار آنها را ممنوع سازد . مجبور شدم برای جلوگیری از ممنوعیت انتشار کتابم، بخش‌هایی از آن را حذف کنم . اما دولت حتی از ترخیص این کتاب برای چاپ هم امتناع کرد و به پارلمان اعلام کرد که محاکمه مرا در دستور کار قرار خواهد داد . تصمیم داشتم برای اثبات ادعاهایم، تعداد زیادی از اسناد را هم به چاپ برسانم – از جمله گزارش‌های رسمی‌ام از تاشکند و درخواست دولت در مورد تغییر آنها – اما وقتی دولت تهدید به اقدام حقوقی کرد، این اسناد را از کتابم حذف کردم . من همچنان نامه‌های تهدیدآمیز دریافت می‌کردم، هنگامی که وکلای وزارت خارجه گفتند دولت، هنوز کپی رایت را برای تمام اسنادی که توسط دولت تولید می‌شود (حتی اگر بر مبنای قوانین آزادی اطلاعات به دست آمده باشند)، حفظ کرده است، مجبور شدم که آنها را از وبلاگ شخصی‌ام نیز حذف کنم . این روزها به نوشتن و سخنرانی مشغول هستم . شکی نیست که دولت براساس «قانون اسرار رسمی» مرا مورد پیگرد قانونی قرار خواهد داد، اما مطمئن هستم که از روشن شدن حقایق برای هیات منصفه ابا دارند . کتاب من همین تابستان در همان شکل سانسور شده‌اش به چاپ رسید . و اسناد مربوط به آن هنوز با یک جست‌وجوی زیرکانه اینترنتی در بسیاری از وب‌سایت‌ها قابل دسترسی هستند . آنها داستانی را که من بازگو کردم را در زمان بازنشستگی بسیار سخت‌تر از زمان تصدی‌ام می‌دانم، مورد تایید قرار می‌دهند .

***سفیر سابق انگلیس در**

ازبکستان

منبع : واشینگتن پست

بخش پایانی

 آگهی مناقصه عمومی شماره ۸۵/۱۲۴ نوبت دوم	
مناقصه گذار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان موضوع مناقصه: خرید اقلام ذیل تعداد ۲۳ قلم یراقی آلات سیکه توزیع شامل: میل مفره ،آی ساکت ،آی بال ،صفحه مسی، کلمپ، راک، براکت، انواع پیچ و مهره ،کنسول آهن و کابلمشو تاریخ فروش اسناد: ۸۵/۶/۲۰ لغایت ۸۵/۶/۲۹ محل فروش اسناد: الف) تهران ، خیابان برزیل شرقی، ساختمان شرکت توانیر، دبیر خانه مرکزی تلفن: ۸-۰۸۸۶۷۶۰۶۷-۲۱ ب) راه‌آهدان ، خیابان دانشگاه، حدفاصل دانشگاه ۳۷ و ۳۹،شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان ، امور تدارکات و قرار داد‌ها تلفن:۸۰۴۷۰۶۱ و ۸۰۴۷۰۴۰ تاریخ تحویل پاکت‌ها:پایان وقت اداری روز شنبه مورخه ۸۵/۷/۱۵ محل تحویل پاکت‌های مناقصه: دبیر خانه شرکت به نشانی راه‌آهدان تاریخ بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخه ۸۵/۷/۱۶ مدت انجام قرارداد: ۳ ماه پس از انعقاد قرار داد مبلغ خرید اسناد: ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب ۵۰۰۱ بانگ مبادرات شعبه برق کد ۴۱۱۸ به نام شرکت برق سیستان و بلوچستان مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمینی بانکی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به پیشنهاداتی که فاقد سپرده یا اعضا، مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. دفتر روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان	

 آگهی مناقصه عمومی شماره ۸۵/۱۲۳ نوبت دوم	
مناقصه گذار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان موضوع مناقصه: خرید اقلام ذیل سیم مسی ترحه ۲۵ ۲۵ کیلوگرم تاریخ فروش اسناد: ۸۵/۶/۲۰ لغایت ۸۵/۶/۲۹ محل فروش اسناد: الف) تهران ، خیابان برزیل شرقی، ساختمان شرکت توانیر، دبیر خانه مرکزی تلفن: ۸-۰۸۸۶۷۶۰۶۷-۲۱ ب) راه‌آهدان ، خیابان دانشگاه، حدفاصل دانشگاه ۳۷ و ۳۹،شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان ، امور تدارکات و قرار داد‌ها تلفن:۸۰۴۷۰۶۱ و ۸۰۴۷۰۴۰ تاریخ تحویل پاکت‌ها:پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۸۵/۷/۱۰ محل تحویل پاکت‌های مناقصه: دبیر خانه شرکت به نشانی راه‌آهدان تاریخ بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخه ۸۵/۷/۱۱ مدت انجام قرارداد: ۳ ماه از تاریخ مبادله قرار داد. مبلغ خرید اسناد: ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب ۵۰۰۱ بانگ مبادرات شعبه برق کد ۴۱۱۸ به نام شرکت برق سیستان و بلوچستان مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمینی بانکی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به پیشنهاداتی که فاقد سپرده یا اعضا، مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. دفتر روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان	